



داکتر رسول رحیم
پیشگفتار کتاب

"گفتمان بحران افغانستان"

- رکود نسبی تاریخی و چالش های معاصر -

نویسنده: داکتر سید موسی صمیمی

نوبت چاپ: اول، تابستان سال 1393

ناشر: دملالی مطبعه، قندهار



پیشگفتار: داکتر رسول رحیم

بن، مارچ سال 2013

"گفتمان بحرāن افغانستان" - نگاهی بر رکود نسبی تاریخی و چالش های معاصر-، در حقیقت پنجمین اثر در سلسله ی تالیفات دانشمند ارجمند داکتر سید موسی صمیمی است که به تحلیل عوامل حاکمیت فلاکت و ادبار بییش از سی واند سال بر افغانستان می پردازد.

تفاوت این کتاب با سایر آثار مولف در آنست که نخست این اولین کتابی است که دراین راستا به زبان فارسی به نگارش در آورده است؛ دوم مانند هر کار علمی دیگر، آن مسایل و موضوعاتی را که در کتاب های قبلی اش نیامده بود، به میان می کشد؛ سوم تمرکز پژوهش را به طور مشروح بر محور تکوین رخداد های بعد از یازدهم سپتمبر 2001 در افغانستان تا پایان 2012 میلادی قرار داده است.

وجه ممتاز این کتاب در آنست که مولف به تاریخ یازده ساله ی بعد از کنفرانس پترز برگ 2001 تا امروز با اسلوب "نگاهی به گذشته" نپرداخته است، برعکس همزمان با تکوین حوادث کالبد شناسی آن را به نمایش گذاشته است، برداشت هایش را مطرح و کژروی ها را انتقاد کرده است و بالاخره بدیل هایش را ارائه نموده است. بنابراین، عنوان های مطرح شده در کتاب، همه به صورت تاریخمند به رشته ی تحریر در آمده است.

شماری از عناوین، پیشتر به زبان های آلمانی، فارسی و پشتو در برخی وبسایت ها انتشار یافته است.

هر عنوان این کتاب به ذات خود مشتمل بر مقاله های تحقیقی مستقلی است با فواصل مختلف که در طی یازده سال گذشته نوشته شده است. مولف هیأت اصلی مقاله ها را مورد تجدید نظر قرار نداده است. اما با قرار دادن عنوان ها درجا های مناسب شان و کار برد هنر بدیع تألیف، خواننده را به طور دلپذیری از اعماق واقعیت های نهفته ی اجتماعی- اقتصادی در دره ها و وادی های افغانستان تا آفاق دیر آشنای جهانی شدن و تأثیرات صاعقه آسای نهاد های فرا روینده از آن بر سرزمین کوهپایه های هندوکش با خود می کشاند.

پاشنه اشیل کار صمیمی هم در توصیف رخدادهای یک دهه ی اخیر وهم در تجویز هایش برای بیرون رفت از این مخمصه، اتکا بر واقعیت های سرسخت اقتصادی، اجتماعی و تاریخی است. به یمن همین نگرش است که او نخستین افغانی می باشد که با تحلیل دقیق ساختارها و نهاد های اقتصادی و اجتماعی در روند تکامل تاریخی این خطه، بر نظریه ی "گسست تاریخی" مهر بطلان می گذارد که به انکار مطلق دولت سازی در این جغرافیا می انجامد. در مقابل او با توسل به سه پایه ی تاریخی «آبادی، فرو ریزی و بازسازی»، نظریه ی «رکود نسبی» و «دوران گذار» را به جلو می کشد.

صمیمی با نظر داشت هدف علم که عبارت از رمز و راز زدایی از واقعیت ها و انسجام بخشیدن به معلومات است، وهم بر مبنای واقعگرایی انصراف نا پذیرش، به جنگ ژولیده فکری های توهم آمیز و الگو پرستی های سهل انگارانه در زمینه ی شناخت از صورت بندی اجتماعی و اقتصادی افغانستان می رود. او بی آن که حاکمیت مناسبات پولی و کالایی شدن اقتصاد را از دیده فروگذارد و یکسره افغانستان را جامعه ی "انتیک" بخواند، صورت بندی اقتصادی افغانستان را «همایشی (انسامبل) از شیوه های تولیدی گوناگون، پارچه پارچه، مجزا ولی در کنار هم» می داند که «با اثر پذیری ها و اثرگذاری های متقابل درونی و بیرونی اش، به "جامه ی مرقع" درویشان - جامه ای قطعه قطعه وبهم دوخته و گاهی چندین رنگ» شباهت دارد. این برداشت صمیمی از یک سو بی بنیاد بودن تحلیل های اقتصادی پا در هوا را نشانه می گیرد و از جانب دیگر سوء برداشتی را مورد انتقاد قرار می دهد که با پیروی از الگوی تکامل خطی تاریخ و "فیودالی" خواندن جامعه، در نتیجه ی کودتای ثور به فاجعه ی جاری انجامید.

ویژگی های ساختاری خواهی نخواهی الگوهای رفتاری به وجود می آورد که در گذار به یک جامعه ی قانونمند دست و پاگیر تمام می شود. صمیمی این الگوهای رفتاری را نیز جزئی از واقعیت های اجتماعی افغانستان می داند وزیر عنوان "گفتاری چند پیرامون الگوی رفتاری افغان ها" فصل کاملی به شناسایی برخی از شاخص ترین وجوه آن اختصاص می دهد.

نقد صمیمی از کژروی ها هیچ گاه محظورات واقعی را نادیده نمی گیرد و از همین جهت منصفانه است. طرح های بدیلش برای تغییر واقعیت ها نیز فریفته ی استثنا هایی ناشی از سرازیر شدن صدها میلیارد دالر غربی ها در کشور نمی شود و بر منابع موجود و بالقوه ی مادی و انسانی افغانستان متکی است.

یکی از ویژگی های عمده ی این اثر در آن است که نویسنده، استنباط هایش را از پدیده های سیاسی و اجتماعی روز مره تا سطح مقولات علمی ارتقا می دهد. این برای آنست تا مردم بتوانند به عوامل و چاره جویی های نابسامانی های موجود و عمق فاجعه پی ببرند و با آمادگی کامل برای بهبود زندگی شان اقدام کنند. به طور نمونه نویسنده آغاز تشکل دولت و همزمان با آن موجودیت جنگ و منازعه را، یعنی کلیت آن پروسه ای را که بعد از کنفرانس پترزبرگ در کشور آغاز گردیده است، در چهارچوب «کشور پسا منازعه» قرار می دهد و میکانیسم های آن را بررسی می کند. او این استنباط علمی را پس از مطالعه ی ذره بینی سلول سلول جامعه ارایه می کند. او با بررسی مقایسوی کلامی، فقهی، اجتماعی و سیاسی، طالبان را «گروه التقاطی» می خواند. او پس از افشای اقتضاح کابل بانک که خود جامع ترین بررسی از آن را در همین اثر ارایه داده است، سیمای یک الیگارشسی مالی نوپا را آشکار گردانید که اعضایش بازیگران اصلی میدان دموکراسی موجود افغانستان اند. دموکراسی که فقط در انتخابات خلاصه می شود و می تواند با این بازیگرانش به خودکامگی راه ببرد. این خطر را صمیمی با واژه ی "انوکراسی" تبیین می کند. تاجایی که معلوم است، تجرید های علمی کار هردانشمند است و صمیمی نیز این راه را پیموده است. اما اهمیت این اسلوب را باید در جامعه ای مانند افغانستان ارزیابی کرد که بیشترین مدعیان روشنفکری اش دچار تفکر انفعالی و لاقیدی سیاسی اند. اغلب آنها خشم شان از بیداد نابسامانی ها و غارتگری ها را با کلمات زنده و احساسی بیان می کنند. چون به کنه معضلات نپرداخته اند، چون فقط از خرابتر شدن اوضاع می ترسند، منطقاً نمی توانند به آینده ی روشن تری باور داشته باشند.

صمیمی که اوضاع جاری افغانستان را در اوج یورش جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد در شکل نیولیبرالی آن به تحلیل گرفته است، نخست پایه ای ترین شناخت از جهانی شدن را مطرح ساخته، جدید ترین نهاد های جهانی آن را معرفی کرده است، اثرات ویرانگر آن را بر اقتصاد افغانستان و جهان ارزیابی و بدیل های ممکن در برابر آن را چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی پیشنهاد نموده است. حدود هفت سال پیش، پس از انتشار نخستین تحلیل های صمیمی در این زمینه بود که رسانه های درون کشور با شناخت پایه ای که از این طریق به دست آورده بودند، فلاکت اقتصادی کشور را در وجود جهانی شدن نیولیبرال به نقد گرفتند. صمیمی در برابر "استراتژی انکشاف ملی" نیولیبرالی دولت افغانستان، بدیل انکشاف اقتصادی پایدار و انسانمدار را مطرح نمود که در بدو امر متعهد به تامین احتیاجات اساسی انسانی مردم افغانستان می باشد. بدون تردید او با این کارش در جایگاه نخستین و مهمترین ناقد تاریخی نیولیبرالیسم در افغانستان قرار می گیرد.

ناگفته پیدا است که نا هنجاری های اقتصاد بازار آزاد نوع نیولیبرال و آنهم در کشوری از لحاظ اقتصادی به خاک نشسته؛ مانند افغانستان، چنان خشن بوده است که پیش از صمیمی نیز کسان دیگری بدیل هایی مانند "اقتصاد ارشاد شده توسط دولت" و "اقتصاد مختلط" و امثال آن را مطرح سازند. این تدابیر همه جنبه ی کمی و تکنیکی داشته و ناظر بر کنترل نوسان های بازار و درکل مسایل پولی و رشد بوده است. نویسنده بر این موضوع از زاویه ی کیفی

یعنی انکشاف تاکید نموده است. او با طرح جامعی که از انکشاف اقتصادی پایدار و انسانمدار داده است، در تکمیل یک بدیل فکری کارساز برای جنبش دموکراسی افغانستان نقش حیاتی داشته است.

سنت های علمی دانشگاهی، آرمان های انسانی، عشق به مردم و سرزمین افغانستان ایمان به این که راه نجاتی وجود دارد، همه دست در دست هم داده اند تا صمیمی به کار بزرگ تالیف این اثر توفیق یابد. با این هم تقوای علمی او بر همه وجوه دیگر غلبه داشته است و حضور "خود"ش را در متن کتاب، جز در وجود یک شهروند افغانستان در هیچ مورد دیگر نمی توان احساس کرد.